

رویکرد عمان در قبال جزایر سه گانه، پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر اسناد

بدرجهان ابراهیمی نژاد^۱، محبوبه شرفی^۲، سینا فروزش^۳

چکیده

پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۳۵۰ش/۱۹۷۱م، ایران به منظور ایفای نقش، به عنوان حافظ صلح، در مورد بازگشت جزایر تنب و ابوموسی، با شیوخ شارجه و رأس الخیمه به تفاهم رسید. در سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۲م، به فاصله دو دهه، مسئله مالکیت جزایر به موضوع اختلاف ایران و امارات تبدیل شد؛ اما بر مبنای آرشیو اسناد محرمانه بریتانیا، بسیار پیش از آن که امارات اقدامی صورت دهد، در روزهای آغازین جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، عمان برای تصرف جزایر با عراق همراهی کرد، و در این رابطه رویکردهای متناقضی در پیش گرفت. شناخت منشأ و علل رویکردهای عمان، با توجه به موقعیت جغرافیای سیاسی عمان در منطقه، ضرورت دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی رویکرد عمان در قبال این مسئله می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال است که عمان پس از انقلاب اسلامی، در قبال ادعای امارات، چه موضعی اتخاذ کرد، چرا؟ فرض بر این است که عمان یا تکیه بر قدرت برتر، دو رویکرد اتخاذ کرد، نخست در روزهای آغازین جنگ، از عراق برای تصرف جزایر حمایت نمود و سپس بر حل مناقشه از طریق ابزار دیپلماتیک تأکید نمود. دلایل این مواضع سقوط سلطنت پهلوی،

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

badrjahane@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول).

Sharafi48@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
s_forouzes@srbiau.ac.ir

تغییر ناگهانی شرایط حاکم بر منطقه و تلاش برای بازگرداندن نظم پیشین؛ و سپس پذیرش وضع موجود و تأکید بر حفظ آن از طریق گفتگوهای راهبردی جهت حفظ ثبات منطقه بود.

کلیدواژگان: جزایر سه گانه، عمان، ایران، امارات، جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

Oman's Approach to the Triple Islands After the Islamic Revolution, Based on Documents

Badrjahan Ebrahiminejad¹ / Mahboube Sharafi^{2*} / Sina Forouzes³

Abstract

After Britain's withdrawal from the Persian Gulf in 1971, Iran, as a peacemaker in region, reached an understanding with the Sheikhs of Sharjah and Ras al-Khaimah regarding the return of the islands of Tunb and Abu Musa to Iran. In 1992, two decades later, the issue of the islands' ownership became a point of contention again. However, based on the archive of secret British documents, long before the UAE took any action, in the early days of the Ba'athist regime's-imposed war against Iran, Oman collaborated with Iraq to seize the islands and adopted contradictory policies in this regard. Understanding the origin and causes of Oman's approaches, given its geopolitical position in the region, is essential. This research, using a descriptive-analytical method and drawing on library and documentary sources, examines Oman's diplomacy concerning this issue. The main research question is: What positions did Oman adopt regarding the UAE's claim after the Islamic Revolution, and why? It is hypothesized that Oman, relying on superior power, adopted two approaches: first, in the early days of the Iran-Iraq War, it supported Iraq in seizing the islands, and then it emphasized resolving the dispute through diplomatic means. The reasons for these positions were the fall of the monarchy, the sudden change in regional conditions, and an attempt to restore the previous order; and then the acceptance of the status quo and an emphasis on maintaining it through strategic negotiations to preserve regional stability.

Keywords: Triple Islands, Oman, Iran, UAE, Ba'athist regime's-imposed war against Iran

1. Ph.D. in post-Islamic Iranian history, SR.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of History, CT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor of History, Department of History and Archaeology, SR.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین چالش‌های غرب در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس بود؛ چالشی که مقدمات تکوین و تحول سیاست خارجی عمان را فراهم نمود. با ظهور سلطان قابوس در صحنه سیاسی عمان (۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م)، این کشور به رسمیت شناخته شد؛ هم‌زمان با آن، روابط ایران و عمان که به سبب نفوذ انگلیس در عمان قطع شده بود، به وفاق و همراهی گسترده تبدیل شد؛ کمتر از یک دهه بعد، پس از سقوط سلسله پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران موقتاً شکاف تازه‌ای در روابط دوجانبه ایجاد گردید؛ درحالی‌که پیش از آن میان شاه و سلطان قابوس روابطی بر مبنای اعتماد برقرار بود و کمک‌های نظامی و غیرنظامی شاه به عمان جریان داشت. براین اساس باوجود پیروزی انقلاب اسلامی، سلطان قابوس بازگشت شاه یا سقوط انقلاب و احیای روابط پیشین را محتمل دانست. بر مبنای این احتمال و ترغیب سیاستمداران غربی، عمان تصمیم به همراهی با عراق، برای بازگرداندن جزایر به امارات گرفت. این تصمیم با مخالفت بریتانیا و ایالات متحده امریکا روبه‌رو شد. پس از جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، رویکرد جدیدی در عمان نسبت به مسئله جزایر شکل گرفت. روند تغییر رویکرد عمان در مورد مسئله جزایر، محور اصلی مطالعات در این پژوهش است. در مورد روابط ایران و عمان پس از انقلاب اسلامی، محور مطالعات همواره حول اشتراک منافع عمان و ایران در تنگه راهبردی هرمز بوده است و به دیگر جوانب، در رابطه با مسائل منطقه خلیج فارس، توجه درخوری نشده است. پرسش پژوهش حاضر این است که عمان در رابطه با ادعای مالکیت امارات در باب جزایر سه‌گانه، پس از انقلاب اسلامی، چه رویکردی برگزید، چرا؟

هدف از این بررسی تحلیل مسئله جزایر از منظر عمان، جهت تسهیل روند گزینش راه حل متناسب برای حل مسئله است. روش تحقیق در این پژوهش، مبتنی بر شیوه تحلیلی-توصیفی است. ابزار پژوهش، ترکیبی از اسناد سیاسی و تاریخی، مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، و نیز گزارش، مصاحبه، روزنامه و سخنرانی است. فرض بر این است که سلطان قابوس نسبت به تصمیم ایران مبنی بر حفظ حقوق

خود بر جزایر تنب و ابوموسی، پس از انقلاب اسلامی، به دو شیوه متفاوت عمل کرد. نخست از عراق برای تصرف جزایر سه‌گانه حمایت نمود و پایگاه هوایی در اختیار عراق قرار داد؛ سپس با اتخاذ رویکردی دوگانه بر امر مذاکره تأکید و رویکرد امارات متحده عربی، مبنی بر طرح مسئله در دادگاه بین‌المللی را تأیید نمود.

۱-پیشینه

در بین پژوهش‌ها و مطالعات متعددی که در قالب مقاله و کتاب تدوین شده است، مقاله‌ای با عنوان موضع سلطنت عمان در مورد سه جزیره عربی، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، (Ameen Abbas N., Duaa Abdulla, 2022: 176-187) بیشترین تطابق را با موضوع پژوهش حاضر دارد. نویسنده ادعای جدیدی طرح کرده که در روشنگری ابعاد موضوع مورد بحث مؤثر بوده است. این مقاله دو بخش دارد؛ بخش اول به موضع عمان نسبت به جزایر پرداخته و بخش دوم را به موضوعاتی از جمله اهمیت جزایر سه‌گانه و امارات به لحاظ موقعیت راهبردی و اقتصادی و تفکیک منطقه خلیج عربی از خلیج فارس اختصاص داده است. دو اشکال اصلی در این مقاله وجود دارد؛ نخست، عدم ارائه سند در مورد نقش فعال امریکا در همراهی عمان با عراق برای اشغال جزایر سه‌گانه، و دوم خروج از موضوع مقاله و پرداختن به مسئله اختلاف میان امارات و ایران بر سر جزایر؛ علاوه بر دلائل یادشده نویسنده در ذکر روایات تاریخی در مورد تأیید ادعای مالکیت امارات بر جزایر، نقش بریتانیا را نادیده می‌انگارد و در این رابطه، چنانکه از عنوان مقاله آشکار است، تأکید مبالغه‌آمیزی بر هویت عربی، به‌عنوان سند مالکیت جزایر دارد. لازم به ذکر است که مرجع سند نویسنده، وبسایت یک روزنامه اسرائیلی به نام الایام است. در رابطه با این سند، با نویسنده و نیز مرکز اسناد طبقه‌بندی شده در شورای امنیت ملی ایالات متحده، کتابخانه و موزه ریاست جمهوری، جیمی کارتر^۱، مکاتبه شد؛ نویسنده پاسخگو نبود؛ اما با راهنمایی مرکز اسناد مشخص شد این مدرک در حال حاضر در فایل قرمز و غیرقابل دسترس قرار

1. The Jimmy Carter Library and Museum

دارد؛ با این حال اسناد مربوط به زمان رویداد، احتمال صحت ادعای نویسنده را تقویت می‌کند.

رساله دکتری با عنوان نقش دولت کوچک در نظام امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی عمان، (Al Shibli, 2025) جدیدترین پژوهش منتشرشده در سال جاری است که بخشی از آن به موضوع پژوهش حاضر اختصاص دارد. پژوهش مذکور از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک در تبیین سیاست خارجی عمان به‌عنوان دولتی کوچک در منطقه خلیج فارس بهره گرفته و آن را به رفتار امنیتی عمان در جریان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران تعمیم داده است. نکته جالب توجه در این پژوهش آن است که با وجود ارائه سند در مورد تصمیم عمان به یاری صدام برای اشغال جزایر، آن را مردود دانسته و در این رابطه بیانات مشاور وزیر امور خارجه عمان در سال ۲۰۲۳م، را مبنا قرار داده است و برخلاف امین عباس، نویسنده مقاله موضع سلطنت عمان در مورد سه جزیره عربی، ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، نقش امریکا در این جریان را بازدارنده ذکر کرده است.

سیاست خارجی عمان و نقش میانجی‌گری و توازن آن در خاورمیانه، (Bozkurt, A., 2022: 179-190) & Mercan, M. مطالعه‌ای درباره رویکرد سیاست خارجی عمان بر اساس تحلیل چهارچوب و روش‌های سیاست خارجی سنتی توسعه‌یافته در دوران حکومت سلطان قابوس است و با شیوه تبیین تکوینی، به سیاست‌های سلطان قابوس برای ابقای اصل اعتدال، تحت هر شرایط و حفظ وضعیت موجود در خلیج فارس می‌پردازد. این مطالعه با وجود عبارات جانبدارانه نسبت به سیاست خارجی عمان، به تبیین اصل اعتدال در بینش سیاسی سلطان قابوس پرداخته و نشان می‌دهد اصل اعتدال با منافع ملی عمان ارتباطی مستقیم داشته و پیروی از آن لزوماً به معنای حفظ روند صلح و آشتی یکنواخت و بدون تغییر در سیاست خارجی عمان نیست. اهمیت این مقاله طرح الگوی سیاست خارجی عمان است، الگویی که تا حدود زیادی دربرگیرنده رویکرد عمان در رابطه با جزایر است. تفاوت آن با پژوهش حاضر در آن است که پژوهش حاضر به دنبال تبیین یک رخداد ویژه است.

سوئیس عربستان: سیاست خارجی عمان و تلاش‌های میانجی‌گرانه در خاورمیانه، (Worrall, 2021: 134-150)، نویسنده مقاله، جیمز ورال، متخصص روابط بین‌الملل و

مطالعات غرب آسیا است. اسناد مربوط به تصمیم عمان در مورد اجازه به عراق برای استفاده از پایگاه نظامی عمان، اولین بار توسط ورال رونمایی شد. دیدگاه ورال در شکل‌گیری این مقاله نقش داشت. تفاوت آن با پژوهش حاضر، تکیه او بر اثبات هدفمند بودن رویکرد عمان در پیگیری جریان میانجی‌گری و حواشی آن است درحالی‌که هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکرد عمان در مسئله جزایر سه‌گانه است. وجه اشتراک مقاله ورال با پژوهش حاضر در این است که ورال نیز بخشی از سلطنت سلطان قابوس را بدون رویکردی مستقل ذکر کرده است. یکی از محورهای مورد استناد در پژوهش حاضر، اسناد مذکور می‌باشد، در این رابطه با نویسنده و نیز مرکز اسناد بریتانیا مکاتبه شد.

وجه ممیزه پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های مشابه، بررسی روابط ایران و عمان با رویکردی نامتداول است که با تکیه بر اسناد نشان می‌دهد روابط ایران و عمان در رابطه با جزایر سه‌گانه، چالش‌هایی جدی پشت سر گذاشته و در نهایت به رویکردی نو و راهبردی در روابط دوجانبه منجر شده است که بهره‌گیری از آن در حل مناقشه مذکور و مناقشات مشابه مؤثر است. اغلب پژوهش‌های داخلی بر نقاط اشتراک و پژوهش‌های خارجی بر نقاط افتراق تکیه دارد و به نقش انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه رویدادهای دهه نخست، در رشد و تکوین رویکردهای عمان در مسئله جزایر نپرداخته است.

۲- چهارچوب مفهومی و نظری: همراهی با قدرت برتر^۱

از برآیند رویکردهای دوگانه عمان نسبت به مسئله جزایر سه‌گانه، الگوی واحدی به‌دست آمد. از این الگو در پژوهش حاضر به‌عنوان چهارچوب نظری استفاده شد. چهارچوب مورد نظر از طریق بسط مفهوم مماشات و موازنه‌سازی شکل گرفت. این مفهوم مرکب، به معنای بهره‌گیری از شرایط سخت با استفاده از یک قدرت بالقوه منطقه‌ای است

1. Bandwagoning

– موازنه‌سازی، تشکیل باند، همراهی، مماشات، هم‌سویی و سوار بر موج، از جمله تعبیری است که در ترجمه این مفهوم آمده است.

که بسته به نوع کارکرد آن، دارای مراتبی است. در جدول (Motin, 2024: 35). این مراتب و ویژگی‌های آن، به تفکیک ذکر شده است.

میزان مماشات

کمیت	کیفیت	شرح
محدود	همراهی	نسبتاً همسو، با حفظ استقلال
گسترده	همسویی کامل	کاملاً همسو ضمن حفظ روابط محدود با کشورهای موازنه ساز
کامل	تحت سلطه سیاسی	کاملاً همسو، وابستگی سیاسی

«مطابق این نظریه کشور مورد تهدید به متجاوز امتیازاتی می‌دهد که موازنه قدرت را به نفع او تغییر دهد. مماشات‌گر، معمولاً موافقت می‌کند که تمام یا بخشی از قلمرو یک کشور ثالث را به دشمن قدرتمند واگذار کند. هدف از این کار، سوق دادن متجاوز به سمت رفتاری صلح‌آمیزتر و احتمالاً تبدیل آن به یک قدرت تثبیت‌کننده است. این رویکرد بر این فرضیه استوار است که رفتار تهاجمی دشمن تا حد زیادی ناشی از حس آسیب‌پذیری امنیتی شدید است. بنابراین، هر اقدامی که برای کاهش این ناامنی انجام شود، انگیزه برای جنگ را کاهش داده و احتمالاً از بین می‌برد. مماشات با نشان دادن حسن نیت از سوی مماشات‌گر و همچنین با تغییر موازنه نظامی به نفع دولت متخاصم، به این هدف دست می‌یابد و در نتیجه، آن را کمتر آسیب‌پذیر، امن‌تر و در نهایت، کمتر مهاجم می‌کند (Mearsheimer, 2001: 163). ضمن آنکه مماشات‌گر از مواهب این همراهی بهره می‌برد.

بر این اساس پروفیسور موتین می‌نویسد: «دولت‌ها انگیزه قوی‌ای دارند تا اجازه دهند دیگران هزینه موازنه قوا را متحمل شوند و از هدر دادن منابع خود اجتناب کنند. سرباز زدن

از مسئولیت مستلزم سوءاستفاده از تلاش‌های دفاعی دیگران و انتقال بار موازنه قوا به آنها است. سرباز زننده از مسئولیت درک می‌کند که متجاوز تهدیدی جدی است، اما همچنان خطر اجتناب یا به تأخیر انداختن تلاش‌های موازنه را به جان می‌خورد. سرباز زننده از رویارویی مستقیم با قدرت برتر بالقوه اجتناب خواهد کرد. بنابراین، به‌طور کامل به موازنه قوا نمی‌پردازد و عموماً تلاش می‌کند تا روابط دوستانه با تهدیدکننده را حفظ کند تا توجه را از خود منحرف کند» (Motin, 2024: 20). استفن والت^۱ می‌گوید: «مماشات یا دنباله روی از قدرت برتر، کشورهایی را که در حاشیه قرار دارند جذب می‌کند» (Walt, 1987: 19). زمانی که قدرت برتر آنقدر قدرتمند باشد که نتوان در برابر آن موازنه ایجاد کرد، پیروی از این تئوری اجتناب‌ناپذیر است (Motin, 2024: 20). «زیرا تلاش برای موازنه^۲ در قدرت برای و رویارویی با قدرت برتر بسیار پرهزینه است و از توان دولت‌های ضعیف خارج است. دولت‌هایی که سیاست دنباله روی با بزرگترین قدرت را دنبال می‌کنند از مزایایی نیز بهره‌مند می‌شوند؛ نخست آنکه قدرت برتر، امنیت سیاسی- نظامی آنها را در مقابل قدرت‌های دیگر تضمین می‌کند؛ دوم، به آنها کمک‌های اقتصادی و نظامی اعطاء می‌کند. در مقابل این امتیازات قدرت برتر انتظار پیروی آنها از سیاست‌های خود را دارد. بر مبنای این منطق، بعد از فروپاشی شوروی و ظهور ایالات متحده به‌عنوان قدرت برتر، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس سیاست دنباله‌روی را بر سیاست موازنه‌جویی ترجیح دادند» (غلامی، ۱۳۸۹: ۲). فرضیات پژوهش حاضر، با استفاده از چهارچوب نظری فوق، در مبحث جمع‌بندی تأیید و تقویت شده است.^۳

۳-تاریخچه

1. Stephen M. Walt

2. balancing

۳. نک: پیوست شماره ۶ و ۷، تصاویر مذکور از کتاب پروفیسور دیلان موتین اقتباس و منطبق با موضوع پژوهش حاضر بازآفرینی شد. (Motin, 2024: 35).

از اواخر دوره قاجار تا روی کار آمدن سلطان قابوس به مدت یک قرن در روابط ایران و حاشیه جنوبی خلیج فارس، به ویژه عمان، گسست جدی به وجود آمد. دلیل این امر ممانعت انگلستان از حضور فعال ایران در خلیج فارس از طریق انعقاد قراردادهای انحصاری با ساکنان حاشیه جنوبی خلیج فارس و ترویج اندیشه ایران‌هراسی بوده است. اما برخلاف آنکه بریتانیا هراس اعراب را تماماً متوجه توسعه‌طلبی ایران می‌نمود، ریشه نارضایتی شیخ شارجه به حدود نیم قرن پیش از خروج بریتانیا بازمی‌گشت؛ «پس از امضای پیمان عمومی صلح با بریتانیا در سال ۱۸۲۰م، از اعتبار شیخ شارجه کاسته شد. در دوره حکومت شیخ سلطان بن صقر (۱۸۶۶-۱۸۰۳م)، وی حاکمیت خود را به مناطقی از عمان گسترش داد و کنترل کلبا، فجیره و دیگر مکان‌ها را از منطقه مورد تصرف سلطان عمان، باز پس گرفت. پس از مرگ او شارجه دچار اختلافات داخلی شد، و رأس‌الخیمه در ۱۹۲۱م، به عنوان یک دولت مستقل از شارجه، توسط بریتانیا تأیید شد؛ سپس رأس‌الخیمه مدعی مالکیت جزایر تنب شد. در این ایام حاکم رأس‌الخیمه، شیخ سلطان بن سلیم (۱۹۱۹-۱۹۴۸م)، با سلطه و دستورات بریتانیا مخالف بود و در آخرین تلاش خود ادعا کرد به عربستان سعودی وفادار است نه بریتانیا» (Zahlan, 1989: 98, 102).^۱

عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۷۱م، از منطقه، شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه را در برابر ایران قرار داد که به منزله محدودیت بیشتر و قدرت کمتر بود. «در سال ۱۹۷۱م، امیر شارجه، شیخ خالد بن محمد، طی توافقنامه‌ای مالکیت ایران بر ابوموسی را پذیرفت؛ اما شیخ صقر، حاکم رأس‌الخیمه از امضای توافق مشابه خودداری کرد، بنابراین واگذاری تنب‌ها با چالش همراه شد» (Zahlan, 1989: 103). این اعتراض در دوره سلطنت محمدرضاشاه در سایه حمایت شاه از کشورهای حاشیه خلیج فارس مسکوت ماند. «عربستان نیز نگران بی‌ثباتی خلیج فارس پس از خروج بریتانیا بود، به همین سبب تا مدتی با آن مخالفت کرد؛

۱. لازم به ذکر است که نویسنده، اصطلاح دولت و قلمرو را بدون توجه به ابعاد حقوقی آن آورده است و استفاده نویسنده پژوهش حاضر از این متن به معنی صحت آن نیست؛ صرفاً با هدف آگاهی خواننده از دیدگاه‌ها و شیوه نوشتاری برخی از محققان عرب می‌باشد.

اما در ۱۹۷۰م، با صدور بیانیه در مخالفت با ادامه حضور نظامی بریتانیا در خلیج فارس به ایران پیوست. عربستان عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس را فرصتی برای طرح ادعاهای منطقه‌ای درازمدت خود علیه شیخ‌نشین‌ها دید» (ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۵۶). این مسئله علاوه بر جنبش ظفار، تهدید دیگری برای سلطنت عمان محسوب می‌شد و موجب نزدیکی بیشتر سلطان قابوس به ایران شد.

بدین ترتیب تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سلطان قابوس که با تکیه بر نیروی دفاعی ایران، به دلیل هراس از توسعه‌طلبی عربستان و جوشش مجدد جنبش ظفار، دوره تثبیت قدرت را سپری می‌کرد، در مورد بازگشت جزایر به ایران، برخلاف عراق و لیبی مخالفتی نکرد. درحالی‌که «لیبی دارایی‌های نفتی بریتیش پترولیوم را ملی و عراق روابط دیپلماتیک خود را با بریتانیا قطع کرد» (زکریا قاسم، ۱۹۷۳: ص ۱۵۳). «عراق خواستار عقب‌نشینی سریع نیروهای بریتانیایی از خلیج فارس بود و در جولای ۱۹۷۰، تقاضای انعقاد پیمان دفاعی با حضور کشورهای منطقه را نمود» (ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۵۸). «اگرچه تنها بخش کوچکی از عراق در خلیج فارس قرار دارد، اما عراق برای تجارت دریایی خود به آن وابسته است. بنابراین، به اندازه ایران و سایر کشورهای ساحلی، منافع راهبردی در عبور از تنگه هرمز دارد. با این حال، عراق نسبت به ایران تأثیر کمتری بر پویایی سیاسی شیخ‌نشین‌ها دارد. یکی از دلایل این امر، همراهی محدود محلی با دولت‌های سوسیال-رادیکال عراق از سال ۱۹۵۸م، بوده است.^۱ نهادهای دولتی عراق به‌عنوان تنها دولت رادیکال در امتداد ساحل خلیج فارس، نقطه مقابل حکومت‌های خودکامه قبیله‌ای در شیخ‌نشین‌ها بودند. با این حال، از آنجایی‌که عراق برای مدت طولانی در مخالفت با هرگونه افزایش نفوذ ایران در منطقه پیشتاز بوده است، رأس‌الخیمه، به دنبال دوستی با آن بود؛ در سال ۱۹۷۱م، هنگامی که حاکم رأس‌الخیمه نتوانست حمایت کافی را در جای دیگری جلب کند، از کمک دیپلماتیک و سیاسی عراق در مخالفت با اشغال دو جزیره تنب توسط ایران برخوردار شد» .

(Anthony, 1975: 31)

۱. با انقلاب سال ۱۹۵۸م، نفوذ بریتانیا درعراق، به پایان رسید.

۴- رویکرد عمان نسبت به جزایر سه گانه پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، «ایران از مخالفان سلطان قابوس، از طریق دعوت از سران جبهه آزادیبخش ظفار به تهران، حمایت کرد؛ این رویداد موجب نزدیکی عمان به عراق شد» (کرمی، ۱۳۹۴: ۱۷۵). کمتر از سه ماه پس از انقلاب اسلامی ایران، امریکا در گزارش محرمانه‌ای نوشت که «مطبوعات شوروی در هفته‌های اخیر اشاره به آن داشته‌اند که شورش ظفار در عمان ممکن است بار دیگر شعله‌ور شود. رسانه‌های گروهی شوروی، عمان را به عنوان یک نقطه بالقوه تشنج در غرب آسیا قلمداد کرده‌اند» (سند، ۱۹۷۹: ۳۵). هر چند «ایران طی دیدار بن علوی، مشاور امور خارجه عمان، با مقامات دولت موقت، دعوت رسمی از سران جنبش ظفار از سوی دولت ایران را تکذیب کرد» (سند، ۱۹۷۹: ۸)، موضع ایران نسبت به سازمان آزادیبخش فلسطین^۱، ساف، در مورد واگذاری جزایر تنب و ابوموسی، مواضع عمان را بیش از پیش در تقابل با ایران بر سر مسئله جزایر قرار داد. «در خلال مذاکرات در مورد تنگه هرمز در عمان، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ / ۲۷ شهریور ۱۳۵۸، بن علوی به سفیر امریکا گفت که از طریق منبعی موثق مطلع شده است که هانی‌الحسن، نماینده ساف در تهران، از مقامات ایرانی درخواست کرده اجازه دهند ساف تجهیزات خود را در جزایر تنب و ابوموسی مستقر کند. علوی از پاسخ ایرانیان به تقاضای ساف مطلع نیست، ولی بیان داشت اگر این تقاضا مطرح شده باشد، مسئله‌ای نگران‌کننده است» (سند، ۱۹۷۹: ۲۲). باوجوداین عمان تا مدتی هم‌چون دیگر متحدان ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه، تلاش کرد، رابطه با ایران را بر مبنای اصول سیاست خارجی عمان، یعنی عدم دخالت در امور دیگر کشورها، حفظ کند؛ اما روند آرمان‌گرایی حاکم بر انقلاب، موجب تردید عمان در بهبود روابط شد. اولین رویارویی ایران با غرب، تسخیر سفارت امریکا بود. عمان در این رابطه نشان داد، در صورت لزوم در اصول سیاست خارجی خود، یعنی حفظ بی‌طرفی، تجدید نظر می‌کند. مهمترین ویژگی مطلوب عمان برای غرب موقعیت این کشور در

1. PLO: Palestine Liberation Organization

اقیانوس هند و تنگه هرمز بود. امریکا از پایگاه نظامی عمان، در جزیره مصیره، برای نجات گروگان‌ها استفاده کرد. این جریان زنگ خطری برای ایران بود.

۴-۱. رویکرد عمان نسبت به جزایر سه‌گانه در جریان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران، صدام از سوی حزب بعث در عراق به قدرت رسید؛ «تا پیش از انقلاب اسلامی، امریکایی‌ها به عراق به‌عنوان متحد اصلی شوروی در غرب آسیا و خلیج فارس می‌نگریستند؛ پس از انقلاب اسلامی این روند دگرگون شد؛ فرصتی استثنایی برای عراق فراهم شد تا ایده رهبری بر جهان عرب را متحقق سازد. حمله عراق به ایران در همین راستا بود و کشورهای محافظه‌کار عرب و غرب برای جلوگیری از نفوذ انقلاب، به پشتیبانی از عراق برخاستند» (اسدیان، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۰). جنگ تحمیلی درحالی آغاز شد که ایران درگیر چالش‌های ناشی از انقلاب بود. «نگرانی‌های اصلی امنیتی عمان در طول این دوره شامل تهدید کمونیست‌ها از سوی یمن جنوبی، دفاع از تنگه هرمز و درگیری‌های مرزی با عربستان سعودی و امارات بود. ترکیبی از رویدادها شامل انقلاب اسلامی ایران، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، موجب تقویت نگرانی‌های عمان شد» (Allen, 2013: 75).

یکی از ادعاهای عراق، علاوه بر خوزستان، جزایر سه‌گانه بود که عراق را به نیابت از اعراب در مقابل ایران قرار داد. در پیامی به تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۸۰، از سوی وزیر امور خارجه عراق خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، آمده است: «دولت جمهوری عراق مایل است تأکید کند که اشغال غیرقانونی سه جزیره عربی را به رسمیت نمی‌شناسد و پیامدهایی را که ادامه اشغال جزایر به همراه خواهد داشت، متذکر شده و خواستار عقب‌نشینی فوری ایران از این جزایر می‌باشد» (جنگ ایران و عراق در اسناد، ۱۳۸۷: ۲۱). انگیزه ارسال این پیام، انتظار اعراب برای عقب‌نشینی ایران از جزایر پس از پیروزی انقلاب بود. اما این اتفاق نیفتاد. در این رابطه مأمور سازمان سیا نوشت: «در اوایل ماه مارس ۱۹۸۰، رئیس‌جمهور بنی‌صدر، به خبرنگاران عرب گفت که رژیم جدید قصد دارد جزایر را علی‌رغم درخواست

اعراب حفظ کند؛ امارات متحده عربی و عراق سرسخت‌ترین مدافع آرمان عربی بوده است. در ماه آوریل بغداد علناً خواستار بازگرداندن جزایر، تحت حاکمیت اعراب شد، و رادیو بغداد جریان مداوم حملات علیه تهران را، به‌دلیل حفظ جزایر، ادامه داد: (CIA, 1980: Iran)^۱. «در روز جمعه ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰، پنج روز پس از حمله عراق به ایران، هیوتانل^۲ از سفارت بریتانیا برای ملاقات با قیس الزواوی^۳، وزیر امور خارجه عمان، فراخوانده شد. به او اطلاع دادند که هیأتی از عراق به ملاقات سلطان قابوس در صلاله رفته و درخواست مجوز استفاده از تسهیلات عمان، برای انجام حملات هوایی علیه جزایر ابوموسی و تنب را کرده است. علاوه بر این حملات هوایی، با استفاده از هلیکوپترهای مجهز به موشک‌های آگزوسه، به مقابله با واحدهای دریایی ایران در دریا و اطراف تنگه هرمز، خواهند پرداخت. به تانل گفته شد که تصمیمی اصولی اتخاذ شده است تا این کار انجام شود، زیرا عمان به این نتیجه رسیده بود که با توجه به شدت بی‌ثباتی که توسط رژیم انقلابی ایران در منطقه خلیج ایجاد شده، لازم است به عراقی‌ها کمک کند» (Prem, 1980: 268)^۴. «به‌زودی هواپیماهای عراقی به عمان رسیدند؛ در همین حال، لندن و واشنگتن، سعی در جلوگیری از حملات کردند. در نهایت، به‌دلیل این که عراقی‌ها در شروع مأموریت کُند بودند، این فشار منجر به عدم انجام حمله گردید. تانل در این‌باره نوشت: «بر این باورم که مدیریت بحران توسط عمان به‌دلیل مشکلات جدی که در گذشته با آن روبه‌رو بوده است، امکان اقدام از روی احساس را، تقویت کرده و نشان‌دهنده نیاز به ارزیابی مجدد رویکرد ما در قبال این رژیم است» (Prem, 1980: 276)^۵. ایده سفیر انگلیس درباره عملکرد احساسی سلطان

۱. نک: پیوست ۲

2. Hugh Tunnell

3. Qais bin Abdul Munim Al Zawawi

۴. نک: پیوست ۳

۵. نک: پیوست ۴

قابوس، در جایی که مشاوران و افسران و کارمندان عالیرتبه سلطان، انگلیسی بودند، به‌سختی قابل‌باور است.

در بخشی از سند، از قول همکاری آمریکایی آمده است: امریکایی‌ها اکنون پیام برزیدنت کارتر را (مبنی بر توییح قابوس برای همکاری با عراق) به او ابلاغ نخواهند کرد، اینکه قابوس به توصیه ما عمل کرده باشد خوشایند است اما این ایده قطعیت ندارد (Prem, 1980: 276). محقق عرب، امین عباس در مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۲م، منتشر شد نوشت: «اخیراً کارتر طرح مخفی برای تشویق عراق به تصاحب سه جزیره را تأیید کرد، تا ایران را مجبور کند بیش از ۶۰ آمریکایی را که در حمله ۴ نوامبر به سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۷۹م، به گروگان گرفته بود، آزاد کند» (Ameen Abbas, 2022: 177). امین عباس منبع مشخصی برای این ادعا ذکر نکرده است؛ او خواننده را به وبسایت یک روزنامه اسرائیلی ارجاع می‌دهد. با این وجود با درنظر داشتن تحرکات امریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر، صحت این مدعا دور از انتظار نیست. «از زمان پیروزی انقلاب، امریکا دشمنی‌های بسیاری را با ایران انجام داد و حمایت از عراق از نخستین تحریم‌ها علیه ایران بود» (مرادی، ۱۴۰۱: ۱۷۰)؛ ضمن اینکه امین عباس عبارت تشویق را به‌کار برده است که قطعیت و دستوری در آن نیست و این معنا آخرین جمله سند اخیر را تداعی می‌کند و به‌نظر می‌رسد گونه‌ای تعبیر و برداشت از همان سند است.^۱ در بخشی از سندی که قبلاً به آن استناد شد، سلطان قابوس سقوط حکومت انقلابی ایران را پیش‌بینی کرده بود و آن را به‌عنوان یکی از دلایل کمک به عراق ذکر می‌کند؛ این پیش‌بینی برای امریکا چندان ناخوشایند نبود؛ در عین حال انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها عمان را تشویق به حفظ روابط با ایران می‌کنند زیرا بزرگترین همسایه عمان در منطقه است. این سیاست دوگانه طی دوران پساجنگ بتدریج در دیپلماسی عمان جای خود را پیدا کرد.^۲ ماجدالخلیلی می‌نویسد: «بدون توجه به جنگ عراق، ایران همچنان یک چالش راهبردی بزرگ برای ایالات متحده امریکا و

۱. اشاره به پیوست ۴، ص ۲، ش ۳.

۲. نک: پیوست ۳، ص ۲، ش ۳.

کشورهای کوچک خلیج فارس است؛ بحرین، با جمعیتی که اکثریت آن شیعه است و امارات متحده عربی، با اختلاف مرزی خود با ایران، بر سر جزایر سه‌گانه، هر دو تهران را تهدیدی بزرگ‌تر از بغداد می‌دانند» (Al-Khalili, 2005: 254). در رابطه با عمان، به‌عنوان یک دولت محافظه‌کار و محتاط، باید گفت بدون پشتیبانی و دسترسی به اطلاعات دقیق از شرایط ایران، عمان قادر به اتخاذ چنین تصمیمی نبوده است. پیش آغاز جنگ، صدام شکست سریع ایران را پیش بینی کرده بود و یادآوری می‌شود که «انگلیس پس از اطمینان از سرکوب جنبش ظفار در سال ۱۹۷۶م، هنگامی که پایگاه نظامی مصیره را ترک کرد خاطرنشان ساخت، پایگاه خبری بی‌بی‌سی در جزیره باقی خواهد بود»^۱ (Oman, 2013:46). در کنار همه این عوامل باید در نظر داشت همراهی با عراق فرصتی برای نمایش موقعیت راهبردی عمان و میزان اهمیت آن در هدایت سیاست‌های امنیتی منطقه بود. «با این حال، وزیر سابق امور خارجه عمان، بن علوی این موضوع را که عمان به عراق اجازه داده از خاک خود علیه ایران استفاده کند، تکذیب کرد و گفت: عمان آنقدر احمق نیست و برای عراقی‌ها روشن بود که عمان چنین اجازه‌ای نخواهد داد و آن‌ها هم چنین درخواستی نکردند» (Al Shibli, 2025: 89). ورال از این شیوه دفاعی عمان با عنوان استراتژی خارپشت یاد می‌کند (Worrall, 2021:138). یک‌سال بعد، در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م، «شورای همکاری خلیج فارس، متشکل از کشورهای منطقه و عمان، بدون حضور ایران، در پاسخ به تهدیدی که به‌دلیل جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران برای امنیت خلیج فارس به‌وجود آمده بود، تشکیل شد» (ژیانهو، ۱۳۹۸: ۱۶۸). «در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۲م عمان در اعتراض به رد درخواست‌های اعراب برای آتش‌بس از سوی ایران، کاردار خود را فراخواند؛ ده میلیون دلار، کمک نمادین جنگی به عراق داد. کمک مالی عمان به عراق، با قدردانی عراق مواجه شد»

(Riger, 2013: 236). در این رابطه یکی از منابع پژوهشی نوشته است: «این مبلغ در مقایسه با کمک بقیه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مبلغی ناچیز یا حتی

۱. نک: پیوست ۵

توهین‌آمیز است؛ این کشورها معادل ۱۴ میلیارد دلار به عراق وام داده‌اند Al Shibli, (2025: 12). منظور از نمادین بودن کمک مذکور نیز ناچیز بودن آن است و این مطلب با چهارچوب سیاست خارجی عمان منطبق است.

«این جریان پس از ناموفق بودن اجلاس دوم سران عرب رخ داد» (روزنامه ایران، ۱۴۰۰: ۷۶۴۲). به فاصله کوتاهی پس از آغاز جنگ تحمیلی، سلطان قابوس با اشاره به تهدیدات شوروی اعلام نمود: «سلطنت عمان بارها نسبت به این تهدیدات هشدار داده است. اما این هشدارها گوش شنوایی نداشته است. دولت‌های برادر عرب را به پیوستن به این راه، و کمک در حفظ امنیت و ثبات این منطقه فراخوانده‌ایم. متأسفانه این فراخوانی بی‌نتیجه بوده است. نظر به این‌که کشورمان در معرض تهدید است، اگرچه خاطرات تلخ و شیرینی از ماهیت آن تهدیدات داریم، جز این‌که از کشورهای دوست برای دفاع از خود تقاضای کمک و امکانات دفاعی نماییم، چاره دیگری نداریم» (قابوس بن سعید، ۲۰۰۵: ۱۲۴). اشاره سلطان قابوس به بی‌نتیجه ماندن دعوت از عراق به منظور برهم زدن معادلات منطقه و نیز توجیه افکار عمومی برای ورود نظامی آمریکا به منطقه بود. «عدم تمایل امارات متحده عربی و سایر کشورهای عربی به پیروی از رهبری عراق، خودمختاری منطقه‌ای و نبود یک قدرت جهانی غالب، موجب شکست عراق در احیای این مدعا تا سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م، یعنی تا برقراری سلطه نظامی آمریکا که یادآور حضور نظامی انگلستان در منطقه خلیج فارس بود، شد» (Ahmadi, 2008: 184).

۴-۲. رویکرد عمان نسبت به جزایر سه‌گانه پس از جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

پیشنهاد هاشمی رفسنجانی در نخستین کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس، مبنی بر برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه خلیج فارس و بیرون راندن قدرت‌های بیگانه، (مجموعه مقالات خلیج فارس، ۱۳۷۲: ۷). موجب تقویت ایران‌هراسی در میان اعراب منطقه شد. «امارات متحده عربی از اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۱/۱۹۹۲م، برای نخستین‌بار به‌طور مستقل از عراق و رادیکال‌های عرب، در شورای عالی اتحادیه امارات اعلام نمود که همه امارات

شیخ‌نشین نسبت به این موضوع متعهد هستند و رسیدگی به مسئله ابوموسی را به وزارت خارجه فدراسیون امارات محول نمود. بر این اساس ایران و امارات متحده عربی پای میز مذاکره نشستند؛ اما مذاکرات بی‌نتیجه ماند. زیرا اماراتی‌ها ادامه مذاکرات را منوط به گنجاندن وضعیت هر سه جزیره در دستور کار دانستند» (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۴۳).

کمی پیش از سال ۱۳۷۶ش/۱۹۹۷م، «همزمان با اواخر دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، یکی از مقامات سیاست خارجی عربستان گفته بود: «امروز ایران تهدیدی بسیار بزرگتر از عراق برای خلیج فارس است. عراق اکنون مهار شده است» (Alkhalili, 2005: 217). این نظر، به‌ویژه در زمان‌هایی که ایران شرایط نسبتاً پایداری را به لحاظ اقتصادی تجربه نمود، تکرار شد. در نیمه آذرماه ۱۳۷۵ش، «یوسف بن علوی، در مصاحبه‌ای موضع عمان را در مورد مسئله جزایر تشریح کرد؛ الحسینی خبرنگار روزنامه الشرق الاوسط می‌پرسد: روابط شما با ایران بسیار خوب و روابط ایران با ابوظبی در نوسان، بین خوب تا تنش‌آلود، است. با توجه به روابط شما با ایران، آیا می‌توانید آن‌ها را متقاعد کنید که در مورد جزایر کاری انجام دهند، مانند عقب‌نشینی؟ بن‌علوی: موضع ما در شورای همکاری خلیج فارس واضح است. برادران ما در امارات به‌طور علنی می‌گویند که به دنبال حل مسئله از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز هستند و می‌گویند، اگر مشکل نمی‌تواند به صورت دوجانبه حل شود، چرا به دادگاه‌های بین‌المللی نرویم؟ ایران دیدگاه مخالفی دارد. موضع ما واضح است. ایرانی‌ها و اماراتی‌ها نیز آن را می‌دانند. الحسینی: موضع شما چیست؟ بن‌علوی: ما معتقدیم که امارات حق دارد بر جزایر تسلط داشته باشد. این موضع رسمی ما است، اما ما تا زمانی که مذاکرات ادامه دارد، قضاوت نخواهیم کرد» (Alkhalili, 2005: 215).

در دی‌ماه سال ۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م، محمود بروجردی^۱ به دعوت مقامات فرهنگی-سیاسی عمان سفری به این کشور داشت؛ در این سفر بن‌علوی در گفت‌وگو با بروجردی گفت: اگر براساس مستندات تاریخی به این قضایا وارد شویم، نمی‌توانیم به نتیجه مطلوبی برسیم. شما کشور بزرگی هستید و در اسلام آمده بزرگ باید سعه صدر بیشتری داشته باشد، ولی ما با

۱. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وقت

عقل غرب در برخورد با این مسائل رفتار می‌کنیم. میراث غرب برای ما اختلاف مرزها بوده است. غرب مسایل سیاسی را رها کرده به دنبال ایجاد وحدت است.^۱ بروجردی پاسخ می‌دهد: مقامات مسئول ما اعلام کردند مسائل جزایر سه‌گانه ایرانی باید از طریق مذاکرات دوجانبه حل شود، اما باید ببینیم چه کسی خودداری می‌کند» (یوسف بن علوی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۹).

رویکرد عمان به مسئله جزایر، پس از پایان جنگ تحمیلی و جبران نسبی عوارض ناشی از جنگ، با وضوح بیشتری تأکید عمان به ضرورت حضور قدرت‌های غربی در منطقه را نشان می‌دهد؛ در این رابطه بن‌علوی طی مصاحبه با مجله السفير در سال ۱۳۷۸ ش/۱۹۹۹م، ابعاد دیگری از اهمیت حضور غرب در منطقه خلیج فارس از دیدگاه عمان را روشن می‌کند. «بن‌علوی می‌گوید، مسقط و ایران قطعاً دیدگاه‌های متفاوتی در مورد حضور قدرت‌های غربی در خلیج فارس دارند. ما اکنون در آستانه جهانی‌شدن هستیم و منافع منطقه عربی در طول تاریخ همواره ماهیتی مشترک با قدرت‌های بین‌المللی داشته است. ما نمی‌توانیم اکنون یا در آینده بگوییم که در انزوا زندگی می‌کنیم. خبرنگار: اما حضور غرب نظامی است. آیا استدلال شما این حضور نظامی غرب را توجیه می‌کند؟ بن‌علوی: وقتی می‌بینید که سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در منطقه ما به میلیارد‌ها دلار می‌رسد، می‌توانید درک کنید که این حضور توجیه‌پذیر است (Al-Khalili, 2005: 195-196).

در ساختار سیاست خارجی عمان، سخنی از حفظ حمایت غرب نیامده؛ در عوض سخن از «استقلال، عمل‌گرایی و اعتدال است و اصل اعتدال در ادبیات سیاست خارجی عمان، به معنای عدم شرکت در یک رویارویی مستقیم و اجتناب از مواضع جانب‌گیرانه برای دفاع از اقلیت است، تا زمانی که منافع ملی تهدید نشود» (Bozkurt, 2022: 181). براین اساس حفظ حمایت غرب یعنی اصل ممانعت یا تکیه بر قدرت برتر در اصول سیاست خارجی عمان مستتر و بر رویکرد عمان در رابطه با جزایر سه‌گانه غالب است.

دبیر شورای همکاری خلیج فارس در مورد علل اصلی نگرانی اعراب در مورد جزایر گفته بود: «مشکل با ایران این است که آن‌ها نمی‌پذیرند که مشکلی وجود دارد؛ حاضر به مذاکره نیستند. اوضاع با جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، وقتی که ایران از جزایر برای مقاصد نظامی استفاده نمود، تغییر کرد؛ با این حال، در طول جنگ هیچ تهدیدی در مورد حمله ایران به امارات وجود نداشت؛ حتی اکنون نیز ایران به ما حمله نخواهد کرد. این جزایر نیستند که مورد نگرانی هستند، بلکه انقلاب است» (Alkhalili, 2005: 216). این سخنان به دلیل تعمیم تئوری مماشات، در میان حکومت‌های عرب خلیج فارس، و نیز انعکاس دیدگاه عمان و توجیه رویکرد سیاسی عمان در رابطه با مسئله جزایر سه‌گانه قابل توجه است. دبیر شورا مسئله جزایر را اساساً مسئله نمی‌داند بلکه آن را سد دفاعی اعراب در برابر زنده نگاه داشتن اهداف انقلابی ایران به‌منظور پاسخ‌گویی به مطالبات داخلی ایران می‌داند.

عمان با اتکا به قدرت برتر از اختلافات بر سر جزایر، جهت ارتقاء و توسعه روابط از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها جهت مشروعیت بخشیدن به حفظ اتحاد نظامی-سیاسی با غرب و نیز حفظ پیوند با اعراب از طریق هویت عربی؛ همزمان حفظ همراهی با ایران در جایگاه قدرتی منطقه‌ای با تسهیل در حل اختلاف استفاده می‌کند. حاصل رویکرد عمان و دیدگاه اعراب در مورد انقلاب اسلامی ایران شفاف و انعکاس‌نگرش غرب به مسئله است. بنابراین تداوم تعامل بجای تداوم اختلافات، با استفاده از توانایی و همراهی عمان در گفتگوهای دوجانبه، گزینه مؤثرتری در بهبود نگرش اعراب نسبت به ایران خواهد بود. به دیگر سخن ثمره گفتگو، هرچند طولانی مدت با تکیه بر مودت، بیش از قطع باب گفتگو در این مسئله است.

جمع‌بندی

کشور عمان به‌لحاظ جغرافیای سیاسی اهمیت زیادی دارد؛ با این وجود به‌دلیل کمی جمعیت و محدودیت منابع طبیعی، قدرتی برجسته در این زمینه محسوب نمی‌شود؛ اما از مزایای موقعیت متمایز جغرافیای سیاسی خود برای جلب حمایت قدرت‌های سیاسی و نظامی استفاده می‌کند.

عمان در مورد جزایر سه‌گانه، در دو مقطع زمانی، دو رویکرد متفاوت در پیش گرفت:

۱. دهه نخست انقلاب: همراهی با عراق در تصرف جزایر

۲. دوره پساجنگ: تکیه بر ابزار دیپلماتیک در حل مناقشه

رویکرد نخست حاصل ماهیت انقلاب اسلامی ایران در قیاس با سلطنت پهلوی و شرایط ویژه حاکم بر ایران پس از انقلاب اسلامی بود. تا پیش از سقوط سلطنت، موازنه نسبی میان جهان دوقطبی حاصل شد و عمان با سیاست‌های شاه ایران، از جمله بازگشت جزایر سه‌گانه، همراهی نمود. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، با برهم خوردن توازن پیشین، معادلات قبلی نیز فروپاشید. همراهی عمان با عراق، در مسئله جزایر سه‌گانه، تلاشی در جهت بازگرداندن نظم پیشین بود. پس از پایان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران و تحکیم پایه‌های حاکمیت جدید، عمان رویکرد همراهی با ایران را تقویت کرد و با تکیه بر دیپلماسی غرب بار دیگر برای حفظ نظم و کاستن تنش‌ها و اختلافات میان ایران و امارات، در قالب جدیدی تلاش و بر حل مسئله جزایر براساس گفتگوهای مؤثر تأکید کرد.

براین اساس با درنظر داشتن شرایط عمان پس از انقلاب اسلامی و مواجهه آن با تهدیدات داخلی و خارجی، فرصت جدیدی برای عمان به‌وجود آمد تا با نزدیک شدن به عراق، دشمن پیشین عمان، به عنوان متجاوز و آغازکننده جنگ با ایران، برای تداوم بقای حکومت خود، به تفاهم برسد؛ بنابراین سلطان قابوس تصمیم گرفت با کمک به عراق برای تصرف جزایر از حمایت صدام برخوردار و موجب تثبیت قدرت خود شود. این اقدام دو نتیجه محتمل در پی داشت:

الف. پیروزی قدرت برتر بالقوه یعنی عراق، و تبدیل آن به قدرت منطقه؛

ب. شکست عراق، دخالت و ورود مستقیم امریکا به جنگ؛

در شکل نخست، عمان از مزایای این همراهی بهره‌مند می‌شد و شکل دوم، به برقراری مجدد نظم پیشین می‌انجامید. در این عملیات عمان برای بهره‌مندی از مواهب همراهی با قدرت برتر بالقوه، پیشدستی کرد و خطرات آن را پذیرفت. دولت عمان پس از آنکه از دریافت کمک‌های نظامی از امریکا ناامید شد، تصمیم گرفت به هزینه عراق که کمک‌های غرب به سویس سرازیر شده بود برای حفظ خود در برابر تهدیدها بهره‌مند شود. در انتخاب عراق برای ایجاد موازنه، عمان محتاطانه عمل نکرده بود؛ به‌همین دلیل تداوم حاکمیت سلطان قابوس توسط امریکایی‌ها مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. این رخداد به تکوین و رشد دیپلماسی عمان کمک کرد و سیاست مماشات بر رویکردهای عمان در سطح منطقه تثبیت شد.

شیوه عملکرد عمان در این رابطه هوشمندانه‌تر از همسایگان عرب منطقه بوده است. عمان در برابر تحولات منطقه‌ای، خود را در حاشیه امن و در سایه قدرت برتر قرار داده و از رویدادهایی مانند جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، ادعای امارات بر جزایر سه‌گانه، ادعای عراق برای سیادت اعراب، به‌منظور حفظ تعادل در رویکردهای سیاسی و تثبیت وضع موجود بهره برده است. عمان با وجود مخالفت جهان عرب در جریان کمپ دیوید با ایران و اسرائیل همراهی و روابط با مصر را ادامه داد. نخستین کشور عرب منطقه بود که با اسرائیل رابطه برقرار کرد و آن را حفظ نمود؛ هم‌زمان عمان از روابط با ایران به‌صورت توافقی دوجانبه بهره می‌برد؛ و در هنگام ضرورت گزینه‌های متعددی برای مماشات پیش رو دارد.

با توجه به اسناد ارائه‌شده، عمان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در ارتباط با مسئله جزایر، تمایل به همسویی و هماهنگی با قدرت برتر خارجی دارند؛ بنابراین تنها راه حل این مناقشه استفاده از توانایی‌های میانجی‌گرانه عمان جهت برقراری مجدد گفتگوها با محتوایی متفاوت یعنی گفتگوهای طولانی‌مدت با تأکید بر مودت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارتباطی است.

منابع

الف) کتاب‌های فارسی

۱. ابوالحسنی، چهاراز؛ خیراندیش، ع (۱۳۹۵). «واکنش کشورهای منطقه‌ای به اعلام خروج بریتانیا از خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰م»، تاریخ ایران، ش ۲۰ (۷۸/۵)، صص ۴۳-۶۹.
۲. اسدیان، امیر (۱۳۸۱). سیاست امنیتی امریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. اسناد لانه جاسوسی، ج ۴، س.ش ۳۵، از وزارت امور خارجه واشنگتن به هیئت امریکایی-سنا، ۹ می ۱۹۷۹-۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸.
۴. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۱، س.ش ۸، از سفارت امریکا-مسقط به وزارت امور خارجه-واشنگتن، ۸ ژوئیه ۱۹۷۹-۱۷ تیر ۱۳۵۸.
۵. اسناد لانه جاسوسی، ج ۵، س.ش ۲۲، از سفارت امریکا-مسقط به وزارت امور خارجه امریکا در واشنگتن، ۲۸ شهریور ۱۳۵۸-۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹.
۶. جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل (۱۳۸۷). به کوشش محمدعلی خرمی، ج ۱، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، س.ش ۲، شورای امنیت: ۱۳۹۱۸.
۷. روزنامه ایران، «خاطرات یک دیپلمات»، ش ۷۶۴۲ (سه‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۰).
۸. زکریا قاسم، جمال (۱۹۷۳). «الادعاءات الايرانية فی الخليج العربی اصول المشکله و تطورها التاريخی»، المجله التاريخيه المصريه، المجلد ۲۰، ۲۱۱-۱۵۳.
۹. ژيانهو، س؛ زیشوانگ، و (۱۳۵۸). «الگوهای سیاست خارجی در عمان»، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، ۲ (۷)، ۱۸۴-۱۶۱.
۱۰. غلامی، طهمورث، «منطق نظری تعاملات ایالات متحده و دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس: ضرورت تغییر نگرش ایرانی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۸۹/۹/۲۱.

۱۱. قابوس بن سعید، سخنان و بیانات اعلیحضرت سلطان قابوس بن سعید المعظم

۱۹۷۰-۲۰۰۵م. حسن خامه یار. عمان: وزارت اطلاع رسانی عمان، مؤسسه گفتمان

ایران و عرب، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵.

۱۲. کرمی، امیرسعید، «بررسی مقایسه‌ای روابط ایران و عمان قبل و بعد از انقلاب

اسلامی و چشم‌انداز آن»، رساله دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵-

۱۳۹۴.

۱۳. مجتهدزاده، پیروز، احمدی‌پور، ز.، حیدری موصولو، ط (۱۳۹۱). «تبیین ادعاهای

امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی از سال ۱۹۹۲ میلادی»،

فصلنامه ژئوپلیتیک، ۸(۱)، ۸۱-۴۲.

۱۴. مجموعه مقالات خلیج فارس، (۱۳۷۲). دومین سمینار بررسی مسائل خلیج

فارس، متن سخنرانی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی. تهران: مؤسسه چاپ و

انتشارات وزارت امور خارجه، ۹-۱.

۱۵. مرادی، جهانبخش (۱۴۰۱). «راهبرد سیاسی و امنیتی ایران در خاورمیانه بعد از

خروج آمریکا از برجام»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹، ۳ (۷۵)، ۱۶۹-۱۸۸.

۱۶. یوسف بن علوی (۱۳۸۴). «باید به آینده براساس وضعیت گذشته نگریست»،

ماهنامه خبری علمی و فرهنگی گزارش و گفتگو، ۴ (۱۶).

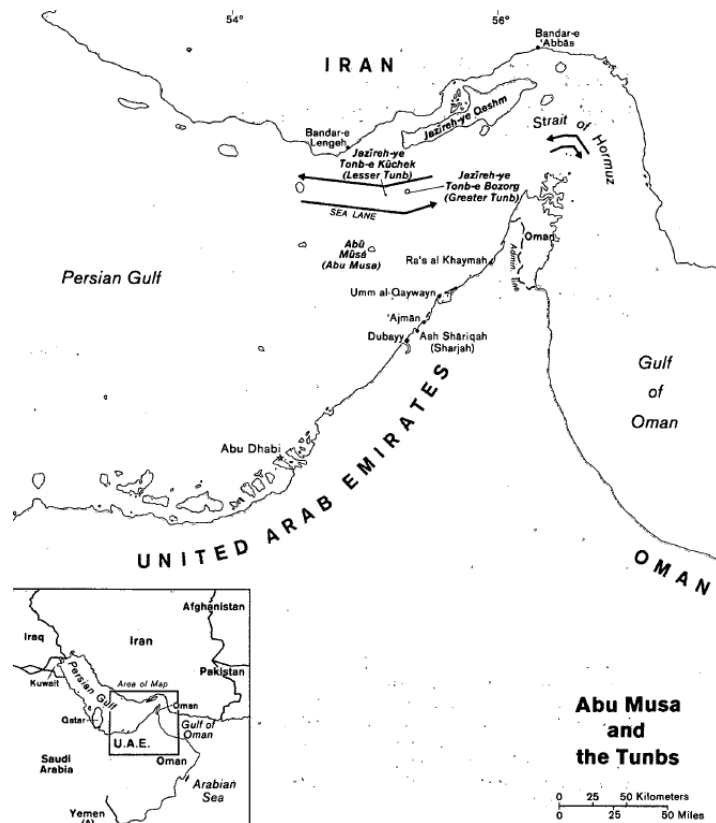
ب) کتب و مقالات لاتین:

1. Ahmadi, Kourosh, **Islands and International Politics in the Persian Gulf Abu Musa and the Tunbs in strategic perspective**, USA & Canada: Routledge, 2008.
2. Al-Khalili, Majid, **Oman's foreign policy: foundation and practice**, USA: Florida International University, 2005.
3. Allen, C. H, Rigsbee, W, **Oman Under Qaboos from Coup to Constitution 1970-1996**, London and New York: Routledge, 2013.

4. Al Shibli, Miysaa Khamis Rashid, **The Role of a Small State in a Regional Security System: The Case of Oman**, Hamburg: The University of Hamburg, 2025.
5. Ameen Abbas N., Duaa Abdulla Ch. M, The Position of The Sultanate of Oman Regarding the Three Arab Islands, Abu Musa, The Greater Tunb and The Lesser Tunb. **Palarch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology**, 19(2), pp. 176-187, 2022.
6. Anthony, Joun, **Arab State of the Lower Gulf: people, Politics, Petroleum**. USA: middle east institute, 1975.
7. Bozkurt, Abdulgani; Mercan, M.H, Oman's Foreign Policy and Its Mediating and Balancing Role in the Middle East, Turkey: Marmara University, **Journal of Political Science**, pp. 179-190, 2022.
8. **CIA-RDP08C01297R000500120001-5**, Iran: The Persian Gulf Islands Dispute, Report, T10. Foreign Assessment center, May 1, 1980.
9. **Document**, Prem 19/278 f112, Tel NO 268, Tunnell (Muscat) to FCO. National Archives, Kew, London, 27 September 1980.
10. **Document**, Prem 19/278 f112, Tel NO 276, Tunnell (Muscat) to FCO. National Archives, Kew, London, 29 September 1980.
11. **Oman, The original documents**, Box 19, folder Oman (1), the National Security Advisor. NSC Middle East and South Asian Affairs Staff Files at the Gerald R. Ford Presidential Library, 2013.
12. Mearsheimer, John, *The tragedy of Great Power politics*, Printed in the United States of America, New York, 2001.
13. Motin, D, **Bandwagoning in international relations**, USA, Wilmington: Vernon Press, 2024.
14. Walt, Stephen M. (1987), The origins of Alliance, *Cornell Studies in security affairs*, Cornell university press, Ithaca and London.
15. Worrall, J. (2021). Switzerland of Arabia: Omani Foreign Policy and Mediation Efforts in the Middle East. *The International Spectator*. 56:4, 134-150, DOI: 10.1080/03932729.2021.1996004.
16. Zahlan, R. S. (1989). *The making of the modern Gulf state: Kuwait, Bahrain, Qatar, the United Arab Emirates and Oman*. London: Unwin Hyman.

۹۸ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۵

(۱)



(۲) تصمیم ایران به حفظ جزایر سه گانه پس از انقلاب اسلامی

Declassified in Part - Sanitized Copy Approved for Release 2012/10/02 : CIA-RDP08C01297R000500120001-5

Top Secret

25X1

**Iran: The Persian
Gulf Islands Dispute**

25X1

Overview

Iran's occupation of three small Persian Gulf islands—Greater and Lesser Tunbs and Abu Musa—has emerged as a major source of friction between Iran and its Arab neighbors, especially Iraq.

The islands occupy a strategic position at the mouth of the Strait of Hormuz. Iran first took over the islands when the Shah's troops occupied them on 30 November 1971. In late March this year, President Bani-Sadr told Arab journalists that the new regime plans to hold onto the islands despite Arab requests that they be turned over to the United Arab Emirates.

25X1
25X

Iraq has been the most vocal advocate of the Arab cause. In early April Baghdad publicly demanded that the islands be returned to Arab sovereignty, and Baghdad radio has kept up a steady stream of attacks on Tehran for holding onto the islands. Baghdad's ulterior motive is to rally Arab support for its campaign against Iran.

25X1

۱۰۱ رویکرد عمان در قبال جزایر سه گانه، پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر اسناد

(۳) همراهی عمان با عراق در اشغال جزایر سه گانه

IRAN/IRAQ

ADVANCE COPIES

PS
PS/SIR I GILMOUR
PS/MR HURD
PS/PUS
SIR E YOUDE
SIR J GRAHAM
MR J C MOERLY
MR BRAITHWAYTE
HD/HED
HD/NEHAD
HD/UND
HD/CONS D
CONSULAR EMERGENCY UNIT
HD/ES & SD
HD/MAED
HD/DEF D
PUSD (2)
NEWS D
RESIDENT CLERK

NO 10 DOWNING STREET
CABINET OFFICE DIO

FLASH

FLASH

SECRET UK COMMS ONLY
FM MUSCAT 271230Z SEPT 88
TO FLASH FCO
TELNO 268 OF 27 SEPT 88
AND TO FLASH MODUK (FOR COSSEC DIA AND DNOT) CINC
FLEET WASHINGTON UKMIS NEW YORK BAGHDAD ABU DHABI DUBAI
IMMEDIATE KUWAIT BAHRAIN DOHA JEDDA

WASHINGTON TELNO 4115 OF 26 SEPT: IRAN/IRAQ.

1. I WAS SUMMONED TO SEE THE MINISTER OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS THIS MORNING. QAIS ZAWAWI EXPLAINED THAT A HIGH-LEVEL IRAQI DELEGATION HAD VISITED THE SULTAN IN SALALAH YESTERDAY TO REQUEST ASSISTANCE IN THEIR CONFLICT WITH IRAN. WHEN I PRESSED HIM HE ADMITTED THAT A DECISION HAD BEEN TAKEN IN PRINCIPLE TO OFFER THE IRAQIS FACILITIES TO MOUNT OPERATIONS AGAINST THE TUMBS AND ABU MUSA AND ALSO TO "TAKE CARE OF" IRANIAN NAVAL UNITS. HE WOULD NOT BE DRAWN ON THE TIMESCALE BUT IT IS ALMOST CERTAINLY IMMINENT (SEE NAVAL ATTACHES TELNO UZH/KAG/LAA OF 27 SEPT NOT TO ALL. OMAN HAD COME TO THE CONCLUSION THAT, SUCH WAS THE DEGREE OF INSTABILITY IN THE GULF AREA CAUSED BY THE KHOMEINI REGIME THAT THEY FELT OBLIGED TO GIVE ASSISTANCE TO THE IRAQIS.

2. I SAID THAT I WAS SPEAKING WITH THE

2. I SAID THAT I WAS SPEAKING WITHOUT SPECIFIC INSTRUCTIONS BUT THAT THE BRITISH VIEW WAS THAT THE AREA OF CONFLICT SHOULD BE LIMITED AND A PEACEFUL SOLUTION SOUGHT. I DID NOT THINK THAT THE BRITISH GOVERNMENT WOULD BE IN FAVOUR OF THE OPERATION. WE HAD ADMIRER THE EVEN-HANDEDNESS SHOWN BY THE OMANIS IN THE FIRST DAYS OF THE CONFLICT. I ASKED WHETHER THE OMANIS HAD CONSIDERED THE DANGERS OF RETALIATION FROM IRAN AND ALSO THE DANGERS OF THE IRANIANS HAMPERING FREEDOM OF PASSAGE IN THE STRAITS OF

HORMUZ. ON RETALIATION, ZAWAWI SAID THAT THIS HAD OF COURSE BEEN CONSIDERED. THE OMANIS HAD FAITH IN THEIR AIR DEFENCE SYSTEM, AND "THIS WOULD BE A GOOD TEST". HE SEEMED TO BELIEVE (UNREALISTICALLY IN MY VIEW) THAT IT WOULD BE SOME DAYS BEFORE THE IRANIANS DISCOVERED THE BASE FROM WHICH THE OPERATION WAS LAUNCHED. ON HORMUZ, ZAWAWI THOUGHT THAT THE OPERATION WOULD HELP GUARANTEE FREE PASSAGE. I ASKED WHETHER THE OMANIS EXPECTED THE US FLEET TO COME TO THEIR ASSISTANCE IN THE EVENT OF DIFFICULTIES. HE REPLIED THAT THIS WAS THE PURPOSE OF THE ACCESS AGREEMENT. MY US COLLEAGE, WHO WAS ALSO SUMMONED FOR THE SAME PURPOSE TODAY, CLAIMS HOWEVER THAT ZAWAWI'S ASSUMPTION MAY BE PREMATURE.

3. FINALLY I MADE THE POINT THAT OMAN WOULD HAVE TO LIVE WITH ANY FUTURE IRANIAN REGIME AND THAT THE LATTER, WHATEVER COMPLEXION IT MIGHT TAKE, COULD WELL HARBOUR A GRUDGE AGAINST OMANI PARTICIPATION IN THIS ADVENTURE. SINCE THE ISLANDS WOULD PRESUMABLY EVENTUALLY REVERT TO THE STATES OF THE UAE, WHY SHOULD NOT THEY, RATHER THAN THE OMANIS PROVIDE THE FACILITIES? QAIS MERELY COMMENTED THAT THE SULTAN HAD DECIDED AND THAT THESE WERE RISKS THE OMANIS WOULD HAVE TO TAKE. IN ANY CASE THE UAE COULD NOT PROVIDE ADEQUATE FACILITIES. WHEN I ASKED HIM WHETHER HE THOUGHT KHOMEINI WOULD REALLY BE OUT OF THE PICTURE IN A MATTER OF DAYS HE SAID THAT IT WAS ONLY A QUESTION OF MONTHS AT THE MOST AND THAT HE WAS CONVINCED ANY FUTURE REGIME WOULD SEE THE WISDOM OF THE OMANI ACTION.

4. IT IS NOT CLEAR WHETHER, IN GIVING US AND THE AMERICANS THIS FOREWARNING THE OMANIS GENUINELY WISH TO HEED OUR VIEWS. THERE MAY IN ANY CASE BE LITTLE TIME, AND I WOULD JUDGE THAT IT WILL BE DIFFICULT TO CHANGE THE SULTAN'S MIND NOW THAT HE HAS GIVEN SOME SORT OF UNDERTAKING TO THE IRANIS. NEVERTHELESS I HAVE URGED DELAY ON ZAWAWI AND WOULD BE GRATEFUL FOR URGENT INSTRUCTIONS.

BE DIFFICULT TO CHANGE THE SULTAN.* MIND NOW THAT HE HAS GIVEN
SOME SORT OF UNDERTAKING TO THE IRAQIS. NEVERTHELESS I HAVE
URGED DELAY ON ZAWAWI AND WOULD BE GRATEFUL FOR URGENT INSTRUCTIONS.
ZAWAWI HAS INVITED OUR FURTHER VIEWS AS SOON AS THEY ARE RECEIVED.
MY US COLLEAGUE HAS RESPONDED IN SIMILAR VEIN SEMI COLON AND
IT MIGHT WELL BE PRODUCTIVE IF WE WERE INSTRUCTED TO MAKE A
JOINT DEMARCHE TO THE OMANIS. MOREOVER, IF WASHINGTON TUR IS
TO BE BELIEVED, ANY FURTHER CALLS FOR RESTRAINT MIGHT ALSO BE
DIRECTED AT KING HUSSAIN, WHO HAS GREAT INFLUENCE WITH QABOOS.

5 ZAWAWI ALSO MENTIONED IN REPLY TO MY QUESTION THAT LOAN SERVICE
PERSONNEL WOULD BE EXPECTED TO TAKE PART IN ANY OPERATIONS
WITHIN OMANI TERRITORIAL LIMITS WHICH MIGHT ARISE FROM IRAQI
ACTIONS. GRATEFUL FOR INSTRUCTIONS ON THIS POINT ALSO.

TUNNELL
BT

FLASH

(۴) عدم موفقیت عراق در تصرف جزایر سه گانه

28

DNF
S 122/29
LFN 223/29

OO FCO (DESKBY 291500Z)

IRAN/IRAQ

ADVANCE COPIES 22

PS
PS/SIR I OILMOUR
PS/MR HURD
PS/FOG
SIR E YOUNG
SIR J GRAHAM
MR J C ROBERTLY
MR BRAITHWAITE
HD/MED
HD/MENAD
HD/UNK
HD/CORS D
CORRECTOR EMERGENCY UNIT
HD/IS & SD
HD/MED
HD/DEF D
FOED (2)
MEN'S D

NO 10 ~~LEWIS~~ STREET
CABINET OFFICE DIO

Mr H. A. ...

~~REGIMENT ORDER~~

SECRET UK COMMS ONLY
SIC
GR 350
SECRET UK COMMS ONLY
FM MUSCAT 291350Z SEPT 80
TO IMMEDIATE FCO
TELNO 276 OF 29 SEPTEMBER 80
AND TO IMMEDIATE MODUK, WASHINGTON UKMMIS NEW YORK BAGHDAD JEDDA
BAHRAIN KUWAIT ABU DHABI DUBAI DOHA

IMMEDIATE

IRAN/IRAQ

YOU WILL NOW HAVE SEEN FROM A MESSAGE ON OTHER CHANNELS (NOT TO ALL) THAT THE IMMEDIATE DANGER OF AN IRAQI OPERATION MOUNTED FROM OMAN MAY NOW BE SUBSIDING AS A RESULT OF A DECISION BY THE IRAQIS THEMSELVES THAT THE LOGISTICS WERE TOO UNCERTAIN. UNTIL THE IRAQI AIR FORCE UNITS CURRENTLY HERE ARE REMOVED, WE CANNOT BE CERTAIN THAT THEY WILL NOT THINK AGAIN AND WE SHALL REPORT.

BE CERTAIN THAT THEY WILL NOT THINK AGAIN AND WE SHALL REPORT ANY AIR MOVEMENTS AS SOON AS POSSIBLE.

2. IF THE ABOVE PROVES CORRECT, IT LOOKS AS THOUGH A VERY SATISFACTORY WAY OUT OF THE IMPASSE MAY HAVE BEEN FOUND: THE OMANIS WILL BE ABLE TO CLAIM TO HAVE DEMONSTRATED THEIR ARAB CREDENTIALS TO THE FULL BY OFFERING THE IRAQIS THE ASSISTANCE REQUESTED ONLY TO HAVE THE LATTER DECLINE THEIR HELP AT THE LAST MOMENT. THEY MIGHT ALSO IF THEY WISH CLAIM TO HAVE STOOD UP TO BE COUNTED IN THE FACE OF WESTERN ADVICE TO THE CONTRARY. IN ADDITION THE IRANIANS MAY BELIEVE THAT THEIR WARNINGS ABOUT ARAB GULF STATES ASSISTING THE IRAQIS HAVE HAD SOME EFFECT.

3. MY U.S. COLLEAGUE TELLS ME THAT THE AMERICANS WILL NOT NOW BE DELIVERING PRESIDENT CARTER'S MESSAGE TO QASBOOS AND THAT THEY WILL TRY TO AVOID RUBBING OMANI NOSES IN THE DIRT. IT WOULD BE PLEASING TO THINK THAT QASBOOS HAD LISTENED TO OUR ADVICE BUT THIS MAY NOT HAVE BEEN A DECISIVE FACTOR. IT MAY HOWEVER BE RELEVANT THAT WE HAVE HEARD THAT THE SULTAN HAS BEEN MOST DISPLEASED BY SUGGESTIONS THAT THE OMANI AIR DEFENCES MIGHT NOT HAVE BEEN UP TO MARK AGAINST THE DEGREE OF RETALIATION ENVISAGED SEMI COLON SO THERE IS REASON TO BELIEVE THAT OUR MESSAGE (AND POSSIBLY WARNINGS BY HIS AIR FORCE COMMANDER) HAVE BEEN HEEDED.

4. WE SHALL OF COURSE CONTINUE TO WATCH DEVELOPMENTS CLOSELY. FOR THE FUTURE I BELIEVE THAT THE OMANI HANDLING OF THIS POTENTIALLY GRAVE CRISIS (WHICH HAS TO A LARGE EXTENT REINFORCED MISGIVINGS OVER THEIR "SHOOT FROM THE HIP" APPROACH TO PREVIOUS PROBLEMS, E.G. THE INITIATIVE ON PROTECTION OF THE STRAITS OF HORMUZ LAST YEAR) INDICATES A NEED FOR REASSESSMENT OF OUR HANDLING OF THIS REGIME. THE OTHER GULF STATES WHATEVER OUR MISGIVINGS ABOUT THEIR POLICIES IN GENERAL APPEAR FROM HERE TO BE HANDLING THIS PARTICULAR CRISIS IN A MUCH MORE REALISTIC MANNER.

TUNNEL
BT

IMMEDIATE

NNNN

(۵) واگذاری پایگاه نظامی بریتانیا در جزیره مصیره به ایالات متحده امریکا و برجماندن پایگاه

خبری بی‌بی‌سی

ROUTINE
LON287
DE RUOTC #5586 1001724
R 091722Z APR 76
FM AMEMBASSY LONDON

TO SECSTATE WASHDC 0664

INFO AMEMBASSY JIDDA 2347
AMEMBASSY MUSCAT 0127
AMEMBASSY TEHRAN 2500

~~SECRET~~ LONDON 05586

EXDIS
E.O. 11652: XG05-1
TAGS: PFOK, MARR, MPOL, UK, UX
SUBJECT: US/UK DISCUSSIONS OF MASIRAH ISLAND
REF: STATE 84477

1. EMBOFF SAW FCD ASSISTANT UNDER SECRETARY WEIR AFTER-NOON APRIL 9 TO MAKE SURE HE HAD FULL VERSION OF /US/UK DISCUSSION OF APRIL 7 ON MASIRAH. EMBOFF SOUGHT UNSUCCESSFULLY TO PRY OUT OF WEIR EXACTLY HOW MUCH LONGER BRITISH COULD GIVE USS BEFORE INFORMING SULTAN OF DECISION TO WITHDRAW RAF. /USS REQUEST TO DEFER DATE OF INFORMING SULTAN WOULD HAVE TO BE RUN THROUGH NEW FOREIGN SECRETARY CROSLAND TO CABINET LEVEL.

2. WEIR STRESSED THAT DECISION TO WITHDRAW WAS DICTATED NOT MERELY BY FINANCIAL STRINGENCY. WITH THIS DISMANTLING OF ITS CHAIN OF BASES TO SINGAPORE, RAF DOES NOT WISH TO KEEP ITS PERSONNEL IN AN EXCESSIVE HARDSHIP POST SUCH AS MASIRAH FOR NO APPARENT USEFUL PURPOSE.

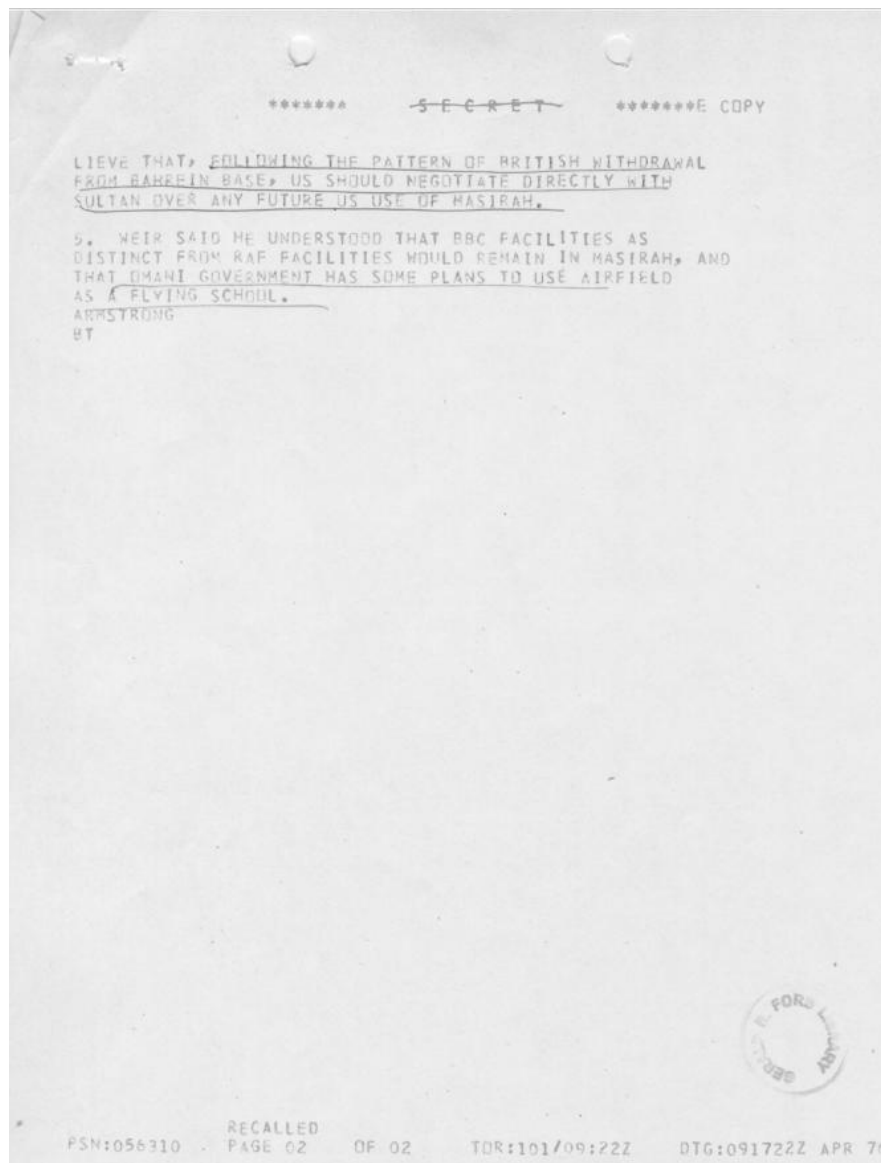
3. HMG ALSO HAS A LEGAL PROBLEM ON ITS HANDS SINCE IT HAS A 99-YEAR LEASE ON THE BASE AREA AND HAS NO ADEQUATE PROVISION IN THE LEASE FOR UNILATERAL ABRIGATION. BRITISH AFRAID THAT WHEN THEY DO ABRIGATE, THE SULTAN MAY DEMAND COMPENSATION. UNDER THE CIRCUMSTANCES, BRITISH WISH TO GIVE THE SULTAN AS MUCH ADVANCE NOTICE OF WITHDRAWAL AS POSSIBLE. HENCE, HMG WOULD STILL LIKE TO ADHERE TO MID-APRIL TIMING OF NOTIFICATION.

4. IN ANY CASE, WEIR SAID, BRITISH ARE INCLINED TO RE-

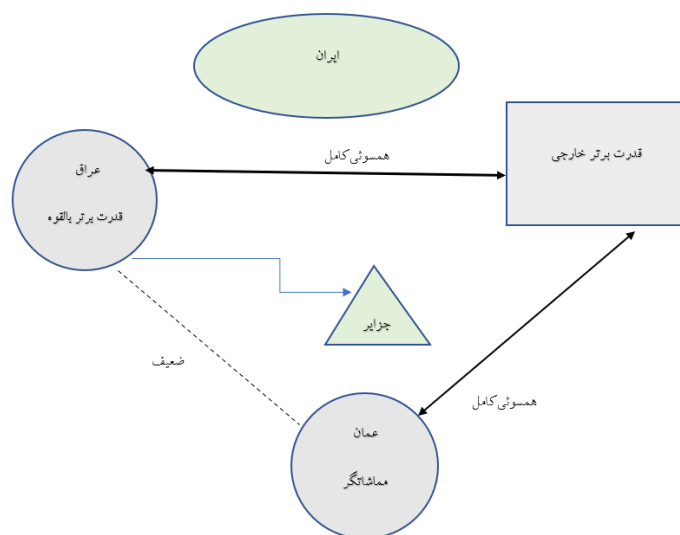
DECLASSIFIED *State Website*
E.O. 11652 (a) (1) EXEMPT SEC 3.3
BY *HR* NARA Date *4/5/13*
RECALLED

0
1

۱۰۷ رویکرد عمان در قبال جزایر سه گانه، پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر اسناد



(۶) میزان مماشات و مخاطبان آن، بر اساس رویکرد نخست



(۷) میزان مماشات و مخاطبان آن بر اساس رویکرد دوم

